

فرماندهی معظم کل قوا: جنگ با رژیم صهیونیستی، یک جنگ سرنوشت است که باید تکلیف را نهایی کند و باید کاری کرد که دشمن همان نگرانی‌هایی را که از ناحیه غزه دارد، از طرف ساحل غربی نیز احساس کند. (۱۳۹۳/۷/۲۴)

سیاست ابلاغی مقام معظم رهبری مبنی بر تسلیح دفاعی کرانه باختری از

دیدگاه اصول حقوق بین‌الملل

احسان یاری^۱ و سیدمصطفی کازرونی^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۱۱

چکیده

مقام معظم رهبری، در سال ۱۳۹۳ سیاست موسوم به تسلیح کرانه باختری را مورد ایراد و ابلاغ قرار دادند. ابلاغ این سیاست، واکنش‌های مختلفی در سطح منطقه‌ای و جهانی را برانگیخت. در این مقاله برآنیم با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل به این پرسش پاسخ دهیم که سیاست مقام معظم رهبری مبنی بر تسلیح کرانه باختری از دیدگاه قواعد بین‌المللی به چه شکلی قابلیت ارزیابی دارد؟ یافته‌های تحقیق و تحلیل آن نشان داد که سیاست‌های یادشده با تکیه بر سه استدلال محوری کمک به تحقق اصل تعیین سرنوشت، اجرای اصل حمایت از مستضعفان به‌عنوان یکی از اصول قانون اساسی ج.ا.ایران و حقوق بین‌الملل اسلامی و مقابله با تروریسم در جهت تقویت دولت ملی و با توجه به رعایت تمامی موازین بین‌المللی از جمله اصل عدم مداخله، اصل احترام به قواعد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از وجهه قانونی از لحاظ حقوق بین‌الملل برخوردار می‌باشد.

واژگان کلیدی: مقام معظم رهبری، تسلیح دفاعی، کرانه باختری، رژیم صهیونیستی، حمایت

از مستضعفین

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، e.yari22@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه شیراز

۱. کلیات

۱-۱. بیان مسئله

وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و ظهور گروه‌های اسلام‌گرا در سراسر جهان اسلام در دهه ۱۹۸۰ میلادی، اندیشمندان، پژوهشگران، اسلام‌شناسان و خبرنگاران را بر آن داشت تا کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی پیرامون اسلام سیاسی، اصول‌گرایی اسلامی و جنبش‌های اسلام‌گرا به‌رشته تحریر درآورند. این مطالعات به هر میزان که از جهت‌گیری‌های تبلیغی و رسانه‌ای دور شده و صبغای علمی‌تر و دانشگاهی‌تر به خود گرفته، مطالعه‌ای واقع‌گرایانه‌تر و کمتر عنادجویانه نیز بوده است. (جماعت‌ملک، ۱۳۸۲: ۹۴۹) این پیروزی شوق عجیبی در بین ملل تحت ستم، نهضت‌های آزادی‌بخش و تمام آزادی‌خواهان جهان به وجود آورد و در بیداری، امید و اعتماد به نفس مسلمانان نقش به‌سزایی ایفاء کرد. (خواجه‌سروری و یعقوب‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۲۱) عمده‌حمايت‌های تسليحاتی ج.ا.ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی به‌ویژه در منطقه غرب آسیا به قصد مبارزه با اشغال‌طلبی و تجاوزگری رژیم صهیونیستی صورت پذیرفته که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، با گام‌های استواری، اهدافشان را در منطقه به اجرا گذاشته و به‌دنبال آن، سرزمین‌های وسیعی از کشورهای همسایه را اشغال کردند. (شیخ‌الاسلام، ۱۳۸۵: ۴۴) این نوع حمايت‌های تسليحاتی هم از سوی ج.ا.ایران و هم جنبش‌های مقاومت اسلامی مورد تأکید واقع شده است.^۱

مقام معظم رهبری نخستین بار در جریان دیدار شرکت‌کنندگان در کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری در چهارم آذرماه ۱۳۹۳ ضمن برشمردن اندیشه تکفیر به‌عنوان مانع امروز تحقق آرمان فلسطین و کرانه باختری رود اردن به‌عنوان اولویت امروز جهان اسلام، در کنار اقدام‌ها و مبارزه‌های فرهنگی، حمايت‌های تسليحاتی از

۱. این تقسیم‌بندی سه‌گانه، تقسیم‌بندی می‌باشد که رمضان عبدالله از رهبران حماس در گفت‌وگویی درباره انواع حمايت‌های تسليحاتی ج.ا.ایران از حماس، انجام داده بود.

جریان مقاومت و تسلیح کرانه باختری را در جهت حمایت از مستضعفین جهان و کمک به مسلمین بر همهٔ آحاد شیعه و اهل سنت امت اسلامی واجب می‌شمارند. ایشان در این زمینه در همین جلسه فرمودند: «ج.ا.ایران به لطف و فضل الهی اسیر محدودیت‌ها و اختلاف‌های مذهبی نشده و همان‌گونه که به حزب... شیعه در لبنان کمک می‌کند، به حماس و جهاد اسلامی و دیگر گروه‌های اصل سنت در فلسطین نیز کمک می‌کند و به این کمک‌ها ادامه خواهد داد ... همان‌گونه که قبلاً هم اعلام شد، کرانه باختری باید مسلح و آماده دفاع شود و این کار قطعاً انجام خواهد شد».

فرمانده معظم کل قوا پیشتر نیز در بیاناتی اظهار نموده بودند: «این اعتقاد ماست که کرانه باختری هم مثل غزه باید مسلح شود ... کسانی که علاقه‌مند به سرنوشت فلسطین هستند، اگر می‌توانند کاری بکنند، کار این است؛ در آنجا هم باید مردم را مسلح کنند. تنها چیزی که ممکن است از محنت فلسطینی‌ها بکاهد، عبارت است از همین که دست قدرت را داشته باشند، بتوانند قدرت‌نمایی کنند؛ و الا با برخورد رام و مطیع و سازشکارانه، هیچ کاری به نفع فلسطینی‌ها انجام نخواهد گرفت و از خشونت این موجود خشن و خبیث و گرگ‌صفت چیزی کاسته نخواهد شد».(بیانات، ۱۳۹۳/۵/۱)

در این مقاله، سه استدلال اصلی له و سه استدلال اصلی علیه حمایت‌های تسلیحاتی ج.ا.ایران از کرانه باختری با تأکید بر سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) مبنی بر تسلیح کرانه باختری مورد بررسی قرار می‌گیرد. سه استدلال محوری له این حمایت‌ها عبارتند از: کمک در جهت اعمال حق تعیین سرنوشت، اعمال اصل حمایت از مستضعفین مندرج در قانون اساسی ج.ا.ایران به‌عنوان یکی از تکالیف دولت ایران در جامعهٔ بین‌المللی و کمک در جهت مقابله با عملکرد بین‌المللی تروریسم. سه استدلال علیه این حمایت‌ها عبارتند از: تروریستی بودن جنبش‌های مقاومت اسلامی، نقض تحریم‌های تسلیحاتی بین‌المللی و درنهایت تهدیدهای مربوط به صلح و امنیت منطقه و بین‌الملل.

۲-۱. اهمیت و ضرورت موضوع

به دلیل جنگ نرم همه‌جانبه غرب علیه ج.ا.ایران در سطوح منطقه‌ای و ملی راجع به حمایت‌های ج.ا.ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی از جمله در بُعد تسلیحاتی و نظامی، تردیدهای چندی در افکار عمومی در سطح داخلی و خارجی به‌ویژه در اذهان برخی جوانان به نادرستی شکل گرفته است. این جنگ نرم غرب و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن با ابلاغ اخیر سیاست حمایت تسلیحاتی کرانه باختری مقام معظم رهبری شدت یافته و هتاک‌ها و تهمت‌ها نسبت به نظام ج.ا.ایران به تدریج گسترش فزاینده‌ای پیدا کرده است. این ضرورت، نویسندگان را بر آن داشت تا با اتخاذ رویکردی حقوقی - بین‌المللی به بررسی حمایت‌های تسلیحاتی ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی با تأکید بر سیاست اخیر ابلاغی تسلیح کرانه باختری مقام معظم رهبری بپردازند. اهمیت تحقیق حاضر در رفع شبهه‌های گوناگون حقوقی مطرح شده از سوی حقوقدانان بین‌المللی غربی و دولت‌های متبوع آنها علیه حمایت‌های ج.ا.ایران از تسلیح کرانه باختری می‌باشد.

۳-۱. پیشینه تحقیق

در خصوص سیاست ابلاغی مقام معظم رهبری^(مدظله العالی) مبنی بر تسلیح کرانه باختری تاکنون هیچ مقاله، گزارش یا کتابی نگاشته نشده است و تنها در برخی از مسائل مرتبط با حمایت‌های ج.ا.ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی، آثاری به‌رشته نگارش درآمده که در عمده موارد با دید صرفاً سیاسی و نه حقوقی - سیاسی که در این مقاله مطرح نظر می‌باشد، به موضوع یادشده نگریسته است. در ادامه به تعدادی از آنها خواهیم پرداخت:

۱. حسین ارجینی در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه اصل حمایت از مستضعفان و مظلومان در روابط خارجی دولت اسلامی» (ارجینی، ۱۳۸۹: ۶۷)، به‌صورت کلی بر مبنای

آیات قرآنی، سنت نبوی و قواعد فقه حکومتی اسلامی همچون قاعده «نفی سیل»، درصدد ارزیابی جنبه‌های مختلف اصل حمایت از مستضعفان و مظلومان است که یکی از ادله کلیدی حقوقی حمایت تسلیحاتی ج.ا.ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی نیز در آن بحث می‌گردد. این مقاله با اتخاذ رویکرد ذهنی، فاقد عناصر عینی (همچنان که در این تحقیق مورد استناد قرار گرفته) می‌باشد.

۲. مقاله «حق تعیین سرنوشت در اسناد بین‌المللی و قرآن کریم» به قلم فخرالدین اصغری آقمشهدی و فرناز شیرانی از دیگر مقالاتی است که بدون اشاره به حمایت‌های ج.ا.ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی، به جایگاه حق تعیین سرنوشت در اسناد بین‌المللی و قرآن کریم می‌پردازد. این مقاله نیز نتوانسته با اتخاذ یک رویکرد عینی میان اعمال حق تعیین سرنوشت ملل مسلمان از جمله فلسطین و لبنان و حمایت‌های ج.ا.ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی ارتباط برقرار نماید. (اصغری و شیرانی، ۱۳۹۲: ۹۹)

در بخش منابع لاتین بیشتر به موضوع غیرقانونی بودن حمایت‌های تسلیحاتی ج.ا.ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی بر پایه «تروریستی» محسوب نمودن آنها پرداخته‌اند. اگرچه در این زمینه از لحاظ نظری بیشتر به نقض حق تعیین سرنوشت و حق حاکمیت ملی در حقوق بین‌الملل و از لحاظ عملی بیشتر بر تهدید امنیت سرزمین‌های اشغالی فلسطین که بر طبق قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد بایستی به فلسطینیان بازگردانده شود، تکیه کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱. کتاب «مسئولیت حمایت در حقوق بین‌الملل: یک تغییر چارچوب نوظهور» به قلم سوزان بورئو (۲۰۱۶) با اشاره به تحولات سوریه و فعالیت‌های گروه‌های متعدد ضد نظام سوریه در این کشور به‌ویژه شورای ملی سوریه به‌عنوان اصلی‌ترین گروه مخالفان و همچنین سنی بودن اکثریت جمعیت سوریه معتقد است که کمک‌های تسلیحاتی ج.ا.ایران در اوج بحران سوریه به حزب... لبنان و دولت سوریه به‌منظور دفع

مخالفان (از نظر این نویسنده) با حق تعیین سرنوشت مردم سوریه که اکثریت آن سنی هستند، تعارض دارد. با این حال، نکته بارز آن است که در این اثر پژوهشی، به حمایت‌های دول عربی از گروه‌های تروریستی که به تعبیر او مخالف هستند، پرداخته نشده است.

۲. کتاب «قضایا و اسناد راجع به حقوق مدنی تروریسم»^۱ نوشته دیوید استراچمن و جیمز استک (۲۰۰۸) از زاویه دیگری به موضوع حمایت‌های تسلیحاتی ج.ا.ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی پرداخته و با به میان کشیدن پیشینه قانونگذاری ایالات متحده در زمینه تروریسم، مدعی می‌شود که قانونگذاری ایالات متحده آمریکا در زمینه تروریسم که نقض مصونیت دولت‌ها به‌ویژه دولت ایران را در محاکم قضایی داخلی ایالات متحده در پی داشته، به دلیل حمایت‌های فزاینده ج.ا.ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی از جمله در بُعد تسلیحاتی صورت گرفته و به شکل نامعقولی، اقدام‌های دولت آمریکا در مصادره اموال مالی ایران در آن کشور را قانونی جلوه می‌دهد. بدیهی است که این استدلال‌های ایالات متحده نه تنها با قواعد مسلم حقوق بین‌الملل به‌ویژه مصونیت دولت‌ها منافات دارد، بلکه موجبات مسئولیت بین‌المللی آن کشور را حداقل در دو مورد قضایای لاگرانژ و آونا نزد دیوان بین‌الملل دادگستری فراهم آورده است.

۴-۱. سؤال تحقیق

سؤال اصلی در این پژوهش آن است که با توجه به اصول و قواعد حقوق بین‌الملل، سیاست مقام معظم رهبری مبنی بر تسلیح کرانه باختری از دیدگاه قواعد بین‌المللی به چه شکلی قابلیت ارزیابی دارد؟

1. Strachman, David J. and Steck, James P. ,’ Cases and Materials on Civil Terrorism Law’, Lawyers & Judges Publishing Company, 2008

۱-۵. هدف تحقیق

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی ابعاد سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری مبنی بر تسلیح کرانه باختری از دیدگاه حقوق بین‌الملل است.

۱-۶. روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف جزو تحقیقات توسعه‌ای - کاربردی است و روش انجام آن، توصیفی تحلیلی می‌باشد. گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز آن از طریق روش کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از کتاب‌ها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها، اسناد و پایگاه‌های معتبر صورت گرفته است. روش تحلیل داده‌ها نیز کیفی می‌باشد.

۱-۷. فرضیه تحقیق

فرضیه تحقیق حاضر به این صورت است که سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری مبنی بر تسلیح دفاعی کرانه باختری بیشتر از آنکه یک موضوع عقیدتی بوده باشد، مبتنی بر اصول حقوق بین‌الملل می‌باشد؛ چرا که سه عنصر اساسی که در بیانات معظم‌له در خصوص ضرورت تسلیح کرانه باختری از اهمیت والایی برخوردار می‌باشد، عبارتند از: کمک به حق تعیین سرنوشت فلسطینیان، غیرقانونی بودن اشغال فلسطین توسط رژیم غاصب صهیونیستی و حمایت از مستضعفان به‌عنوان یکی از اصول اساسی سیاست خارجی ج.ا.ایران.

برای تصدیق این ادعا تنها می‌توان به کنوانسیون مربوط به ملل تحت اشغال اشاره نمود که در آن تصریح گردیده: «مردمی که کشورشان توسط قدرت اشغالگر یا نیروهای اشغالگر مورد تجاوز و اشغال قرار گرفته، حق دارد که از همه وسایل ممکن (از جمله بهره‌مندی از کمک‌های تسلیحاتی سایر دولت‌ها) برای نجات از شرایط اشغال و بیرون شدن از سیطره اشغالگر و رفع هرگونه تجاوز استفاده کنند». همچنین در این کنوانسیون

آمده که دیگر کشورها و دیگر ملل حق دارند به این مردم تحت اشغال همه‌گونه کمک لازم برای رفع تجاوز و اشغالگری را صورت دهند. این اشاره کوتاه اثبات می‌نماید که سیاست راهبردی تسلیح دفاعی کرانه باختری، یک سیاست کاملاً مبتنی بر اصول و قواعد خدشه‌ناپذیر حقوق بین‌الملل می‌باشد.

۲. ادبیات و مبانی نظری تحقیق

حمایت تسلیحاتی از گروه‌ها و جنبش‌های غیردولتی همواره یکی از بحث برانگیزترین مسائل در حقوق و سیاست بین‌المللی بوده که با اصولی همچون اصل منع مداخله، اصل برابری دولت‌ها و ... در تعارض بوده است. اینکه به چه شکلی می‌توان یک خط مرزی بین حمایت‌های تسلیحاتی مشروع و غیرمشروع در حقوق بین‌الملل ترسیم نمود، موضوعی مورد بحث است.

فقدان قواعد بین‌المللی روشن و صریح در زمینه حمایت‌های تسلیحاتی از گروه‌ها و جنبش‌های غیردولتی، نه ماهیتاً موجب می‌گردد تا آن حمایت‌ها، فی‌نفسه نقض حقوق بین‌الملل محسوب گردد و نه اینکه اجازه یک دولت به حضور و حمایت‌های نظامی و تسلیحاتی بیگانه در قلمروی سرزمینی‌اش، مشروع کننده مطلق این نوع حمایت‌های تسلیحاتی باشد، چه آنکه در برخی موارد با قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی که عمده آنها، قواعد آمره بین‌المللی هستند، در تعارض می‌باشد. تفکیک قائل شدن بین حمایت‌های تسلیحاتی غیرمشروع از مشروع آنچنان مهم است که حمایت‌های تسلیحاتی غیرمشروع، افزون بر مسئولیت بین‌المللی دولت حمایت کننده، می‌تواند همان‌گونه که در قضیه بلاسکیچ در نزد دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق اشاره شده، ماهیت درگیری‌های مسلحانه را از داخلی به بین‌المللی تغییر دهد؛ یک درگیری مسلحانه که در قلمروی سرزمینی یک کشور به‌وقوع می‌پیوندد

و در نگاه اول داخلی تلقی می‌شود، می‌تواند در مواردی که نیروهای مسلح دولت دیگر مداخله نظامی می‌نمایند، بین‌المللی فرض شود. (Human Rights Watch, 2004: 24)

با توجه به عدم وجود تعریف واحدی از تروریسم و تفاسیر مختلف دولت‌ها از آن، حمایت‌های تسلیحاتی از برخی گروه‌ها و جنبش‌های غیردولتی که از نظر برخی دولت‌ها، در جهت اعمال حق تعیین سرنوشت می‌کوشند، ممکن است از سوی سایر دولت‌ها به‌عنوان یکی از جنبه‌های حمایت از تروریسم تعبیر شود. از جمله آن می‌توان به اختلاف برداشت جمهوری اسلامی ایران و دولت‌های غربی از حمایت‌های تسلیحاتی از جنبش‌های مقاومت اسلامی همچون حزب‌الله لبنان و حماس اشاره کرد؛ به‌گونه‌ای که بر اساس «قانون ضدتروریسم و اقدام مؤثر ۱۹۹۶»^۱ ایالات متحده آمریکا، حمایت تسلیحاتی هر موجودیتی اعم از دولتی و غیردولتی از سازمان‌های تروریستی خارجی که برخی از جنبش‌های مقاومت اسلامی در فهرست آن قرار گرفته‌اند، یک نوع حمایت از تروریسم محسوب می‌گردد؛ در حالی که از دیدگاه ج.ا.ایران، این اقدام‌ها در جهت اعمال حق تعیین سرنوشت در حقوق بین‌الملل تلقی می‌گردد. (De Guttry, 2016: 245)

برای حل این موضوع که حمایت‌های تسلیحاتی از گروه‌ها و جنبش‌های غیردولتی توسط دولت‌های بیگانه در چه مواردی می‌تواند بر اساس حقوق بین‌الملل غیرمشروع تلقی شود، بایستی به رویه قضایی بین‌المللی اشاره کرد. مثال آن در رأی فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی علیه نیکاراگوئه، دیوان بین‌المللی دادگستری در ارتباط با حمایت‌های تسلیحاتی ایالات متحده و نیکاراگوئه از گروه‌های غیردولتی می‌باشد. در واقع، دیوان در این قضیه به دو ادعای مختلف مواجه بود: از یکسو با ادعای دولت نیکاراگوئه مبنی بر حمایت ایالات متحده از شورشیان کنترا در کاستاریکا و هندوراس به‌منظور براندازی دولت ساندنیست‌ها در نیکاراگوئه و دیگری، ادعای دولت ایالات متحده مبنی بر حمایت

1 The Antiterrorism and Effective Death Penalty Act of 1996

دولت نیکاراگوئه از جبهه ملی آزادسازی فرابانو مانتی^۱ برای سرنگونی دولت مشروع السالوادور (متحد آمریکا) بود.

دیوان برای بررسی اینکه آیا حمایت تسلیحاتی ایالات متحده از شورشیان کنترا، یک حمله مسلحانه محسوب می‌شود و از این جهت، غیرمشروع می‌باشد، به بند G ماده ۳ اعلامیه تعریف تجاوز (۱۹۷۴) مجمع عمومی ملل متحد استناد نمود تا بر اساس آن نتیجه بگیرد که آیا ایالات متحده با حمایت‌های تسلیحاتی خود از یک گروه غیردولتی، مرتکب نقض حقوق بین‌الملل شده یا خیر؟ بر اساس بند G ماده بالا، اعزام گروه‌ها یا مزدوران مسلح (و حمایت‌های تسلیحاتی از این گروه‌ها) که اقدام‌های نیروهای مسلح یک دولت علیه دولت دیگر محسوب می‌شود، تجاوز سرزمینی از سوی دولت دیگر محسوب می‌شود. دیوان در این قضیه، با مطرح نمودن واپایش مؤثر بر جنبش‌ها و گروه‌های غیردولتی، مسئولیت بین‌المللی ایالات متحده را رد نمود. (Hilaire, 1997: 101) بنابراین نتیجه گرفته می‌شود برای اینکه حمایت تسلیحاتی یک دولت بیگانه از گروه‌ها و جنبش‌های غیردولتی، یک اقدام غیرمشروع بین‌المللی محسوب گردد، بایستی حمایت کامل و تمامیت خواهانه دولت خارجی از آن گروه و جنبش غیردولتی برخلاف اهداف و اصول منشور ملل متحد احراز گردد.

۳. یافته‌های تحقیق

۳-۱. دلایل ج.ا.ایران برای تسلیح کرانه باختری از دیدگاه حقوق بین‌الملل

می‌توان سه دلیل عمده را برای توجیه قانونی بودن سیاست تسلیح کرانه باختری مقام معظم رهبری ایراد نمود که عبارتند از: اعمال حق تعیین سرنوشت، حمایت از مستضعفین و همکاری در مقابله با عملکرد بین‌المللی تروریسم. در این بخش به این

1 Farabuno Manti National Liberalization Front (FMLN)

سه استدلال و اینکه آیا می‌توانند توجیه‌کننده قانونی بودن حمایت تسلیحاتی ج.ا.ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی باشند، خواهیم پرداخت.

۱-۳. اعمال حق تعیین سرنوشت

مهم‌ترین دلیلی که می‌توان برای قانونی بودن حمایت‌های تسلیحاتی ج.ا.ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی ارائه داد، کمک به اعمال حق تعیین سرنوشت این جنبش‌ها به‌ویژه در برابر رژیم اشغالگر قدس می‌باشد. حق تعیین سرنوشت یکی از عالی‌ترین و در عین حال مبهم‌ترین اندیشه‌های حقوق بین‌الملل نوین به حساب می‌آید، در حالی که بسیاری از اندیشمندان معتقد به وجود چنین حقی هستند؛ برخی دیگر ارزشمندی آن را به دلیل مبهم بودنش نفی می‌کنند. حق تعیین سرنوشت با توجه به ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و مواد یک و ۵۵ منشور ملل متحد به ترتیب، هم جنبه فردی و هم جمعی دارد، اما در واقع باید آن را حقی جمعی دانست که مردمان از آن برخوردارند و می‌توانند از آن به‌صورت جمعی بهره‌مند شوند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۰ اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل درباره روابط دوستانه و همکاری میان دول (قطعنامه شماره ۲۶۲۵) را تصویب کرد که در آن ضمن مشمولیت حقوق اقتصادی تحت حق تعیین سرنوشت، هرگونه اقدام قهرآمیز علیه مردم مستعمرات و مردم سرزمین‌های غیرخودمختار در جهت اعمال حق تعیین سرنوشت آنها ممنوع اعلان شده بود.^۱ (ضیایی، ۱۳۹۰: ۲۳۴)

۱. گرچه اعلامیه یادشده از بیان مستقیم حق خلق‌ها برای توسل به زور و کمک دولت‌ها (از جمله حمایت‌های تسلیحاتی آنها) به آنها امتناع ورزیده، اما بر تکالیف دولت‌ها به‌ویژه دول اشغالگر به‌منظور توسل به زور علیه مردم برخوردار از حق تعیین سرنوشت (برای مثال، رژیم صهیونیستی علیه حزب الله لبنان و حماس) تأکید ورزیده است. (Gray, 2008: 61)

تحولات وارده بر اصل حق تعیین سرنوشت آن اندازه شگرف و زیاد بوده که حتی امروزه به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل از آن یاد شده، به‌گونه‌ای که قسمت سوم بند ۲ ماده ۱۹ مواد پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت دولت، نقض وسیع و نظام‌مند این اصل را موجد مسئولیت کیفری بین‌المللی می‌داند. (سیفی، ۱۳۷۳: ۲۵۲)

دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی ۱۹۷۱ راجع به وضعیت آفریقای جنوب غربی (نامیبیا) و سپس در نظریه مشورتی ۱۹۷۵ راجع به صحرای غربی، اصل تعیین سرنوشت را از اصول مسلم حقوق بین‌الملل عرفی تلقی کرده است. در قضیه تیمور شرقی نیز دیوان بر «عام‌الشمول بودن» حق تعیین سرنوشت تأکید کرده و حق مردم در تعیین سرنوشت خود را یکی از اصول ضروری و اساسی حقوق بین‌الملل معاصر تلقی نمود. (اصغری و شیرانی، ۱۳۹۲: ۱۰۵)

در رأی صادره در قضیه دیوار حائل نیز دیوان بر «ارگامنس» بودن حق تعیین سرنوشت و اینکه دول اشغالگر بایستی در وهله اول به این حق احترام بگذارند، تصریح می‌دارد. (Benvenisti, 2012: 198) اگرچه در امره بودن حق تعیین سرنوشت، تردیدهای اساسی وجود دارد، اما با توجه ویژه به آرای مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای تیمور شرقی و دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، باید بر وحدت نظر در مورد عام‌الشمول یا همان تعهدات ارگامنس بودن حق تعیین سرنوشت تأکید نمود. (بهنی قاجار، ۱۳۸۸: ۷۵)

اهمیت حق تعیین سرنوشت برای سازمان ملل متحد تا آن اندازه بوده که سازمان باوجود بند ۴ ماده ۲ منشور مبنی بر منع توسل به زور توسط کشورها، ملت‌های تحت استعمار را مجاز دانسته تا جهت اعمال این اصل به عملیات نظامی متوسل شده یا سایر دولت‌ها با حمایت‌های مختلف از جمله حمایت تسلیحاتی به این

عملیات نظامی کمک نمایند^۱. حمایت‌های تسلیحاتی سایر دولت‌ها به منظور کمک به توسل به زور جنبش‌های آزادی‌خواهانه و مقاومت‌بخش در احقاق حق تعیین سرنوشت علیه دول اشغالگر و استعمارگر در حقوق بین‌الملل مورد پذیرش قرار گرفته و این امر، استثنایی بر بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد تلقی گردیده است. (Cassese, 1995: 151)

از جمله می‌توان به بخشی از اعلامیه روابط دوستانه اشاره داشت که حمایت‌های تسلیحاتی از جنبش‌های مقاومت آزادی‌خواهانه در پایان دادن به اشغال را به رسمیت می‌شناسد: «قلمروی یک کشور نباید موضوع اشغال نظامی قرار گیرد که ناشی از توسل به زور در نقض مقررات منشور باشد. قلمروی یک کشور نباید تحت تصرف دولت دیگری قرار بگیرد که ناشی از تهدید یا توسل به زور باشد. هیچ تصرف سرزمینی (ناشی از اشغال) که از تهدید یا توسل به زور نشئت گرفته، نباید به صورت قانونی مورد پذیرش قرار گیرد» (Arangio Ruiz, 1979: 102)

در قطعنامه‌های مختلف سازمان ملل متحد و همچنین رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری بر اشغالگر بودن رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های مختلف تأکید گردیده است؛ از جمله آنها می‌توان به قطعنامه‌های ۵۷/۱۲۸ و ۵۷/۱۲۸ به ترتیب در مورد اشغال سرزمین‌های فلسطینی^۲ و بلندی‌های جولان به وسیله رژیم

۱. در این خصوص، «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در مورد روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌ها» اشاره می‌نماید: «هر دولت موظف است از عملیات سرکوب‌گرایانه و ستیزه‌جویانه به منظور محروم کردن مردم از استفاده از حق تعیین سرنوشت خود، خودداری کند و کسانی که در مقام اعمال حق تعیین سرنوشت خویش در مقابل این اقدام‌ها مقاومت و ایستادگی می‌نمایند، استحقاق حمایت را دارند» (کمیاستانی، ۱۳۷۱: ۱۳۹)

2. General Assembly's resolution, (A/RES/57/128), adopted on the report of the Special Political and Decolonization Committee, Israeli practices affecting the human rights of the Palestinian people in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, para 5, also available on: www.unispal.un.org

صهیونیستی^۱ اشاره کرد. فراتر از اشغال سرزمین‌های مختلف، رژیم صهیونیستی به شکل‌های مختلف از جمله شهرک‌سازی غیرقانونی یا ساخت دیوار حائل، به تعهدات بین‌المللی دول اشغالگر طبق اسناد حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه پایبند نبوده است؛ همان‌گونه که در رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه دیوار حائل^۲ و همچنین گزارش گلدستون درخصوص جنگ ۲۲ روزه در نمودار می‌باشد. پایان دادن به اشغال فلسطین و بخشی از لبنان نه تنها از سوی نهادهای بین‌المللی بلکه همواره از سوی دولت‌های حامی رژیم صهیونیستی از جمله ایالات متحده آمریکا تصریح گردیده است.^۳ مجموع این عوامل دال بر اثبات

1. General Assembly's resolution, (A/RES/57/128), adopted on the report of the Special Political and Decolonization Committee, The occupied Syrian Golan', para 14. also available on: www.unispal.un.org

۲. دیوان بین‌المللی دادگستری در این قضیه تصریح می‌دارد: «ساخت دیوار و نظام مرتبط با آن، حق جابه‌جایی سکنه سرزمین اشغالی فلسطین (به استثنای غیرنظامیان صهیونیستی و آن دسته از افرادی که به این واسطه متشبه به آن هستند) به‌عنوان حقی که بر طبق بند یک ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده، مانع گردیده است. آنها (صهیونیست‌ها) همچنین از اعمال حق کار، حق سلامتی، حق تحصیل و استاندارد مناسب زندگی از سوی افراد مورد نظر، آن‌گونه که در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد مورد ادعا قرار گرفته‌اند، باز داشته‌اند»:

(Mohammad Aljaghoub, 2007: 193)

۳ گزارش گلدستون خود را به صورت مضیق به حمله رژیم صهیونیستی به غزه ننموده است. این گزارش، عرصه تحقیق خویش را به محدوده گسترده و جامعی از برخورد صهیونیست‌ها با سال‌های طولانی اشغال بسط داده است. گزارش گلدستون، رژیم صهیونیستی را به‌خاطر چندپارگی مردم فلسطین، تبعیض ساختاریافته، محدودیت بر حق دسترسی و جابه‌جایی فلسطینیان در طول سالیان دراز اشغال این رژیم مورد محکومیت قرار می‌دهد:

(Finkelstein, Norman G, This Time We Went Too Far: Truth and Consequences of the Gaza Invasion, OR Books, 2011)

۴. از جمله می‌توان به اظهارات جرج بوش، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده در ۳ آوریل ۱۹۸۹ میلادی اشاره داشت که رژیم صهیونیستی باید به اشغال سرزمین‌های عربی پایان داده و به فلسطینی‌ها حقوق سیاسی‌شان اعطا شود. (Anthony Boyle, 2013: 73)

اشغالگر بودن رژیم صهیونیستی و قانونی بودن حمایت‌های تسلیحاتی ج.ا.ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی همچون حزب‌ا... لبنان و حماس می‌باشد.

۲-۱-۳. حمایت از مستضعفان

یکی دیگر از استدلال‌هایی که برای حمایت‌های تسلیحاتی ج.ا.ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی آورده می‌شود، حمایت از مستضعفان است. اصل حمایت از مستضعفان به‌عنوان یکی از خطوط کلی سیاست خارجی ج.ا.ایران در اصل ۱۵۴ قانون اساسی مورد تضمین قرار گرفته است: «ج.ا.ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم می‌شناسد؛ بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند».

استناد به اصل حمایت از مستضعفان از سوی ج.ا.ایران گاهی به‌واسطه عدم رعایت عدالت، احترام به کرامت و ارزش‌های والای انسانی، سوء استفاده از منشور ملل متحد و سوء تفسیر از این سند در جامعه بین‌المللی تعبیر شده است. منظور از مستضعفان کسانی هستند که زیر سلطه حکومت استبدادی و دیکتاتوری، حیثیت، شرف، جان و مال آنان در معرض تاخت و تاز قرار گرفته و محروم از آزادی و استیفای حقوقشان هستند. (محمدی، ۱۳۹۰: ۸) از این رو مستضعفان، تنها شامل مسلمین نبوده بلکه غیرمسلمانان را نیز در برمی‌گیرد و مسئولیت دولت اسلامی تنها در قبال مردم تحت حاکمیت خود نیست، بلکه نسبت به تمام مسلمانان و مستضعفان وظیفه دارد. (ارجینی، ۱۳۸۹: ۸۰) حمایت از مستضعفین طیف وسیعی از رفتارها را شامل می‌شود که می‌توان آنها را به دو دسته کلی تقسیم کرد:

(الف) حمایت مادی: این شیوه از حمایت بیشتر ناظر به کمک‌های اقتصادی و نظامی است. کمک نظامی خود می‌تواند در قالب تأمین تجهیزات نظامی یا اقدام مسلحانه صورت گیرد. (محمدی، ۱۳۹۰: ۸)

(ب) حمایت معنوی: این شیوه بیشتر از نظر سیاسی، دیپلماتیک، فرهنگی و تبلیغاتی صورت می‌گیرد. (محمدی، ۱۳۹۰: ۸)

اصل حمایت از مستضعفان در حقوق بین‌الملل اسلام از جایگاه سترگی برخوردار می‌باشد. اسلام از یک طرف تحمیل زور را به‌عنوان خمیر مایه اصلی دخالت نفی می‌کند و از طرف دیگر برای دفاع از حقوق انسانی و بشری اهمیت بسیاری قائل است و هنگام تعارض با سایر اصول از جایگاه اصلی برخوردار می‌گردد و بر آنها مقدم می‌شود. (حسین، ۱۳۸۵: ۸۷) در حقوق بین‌الملل اسلام، اصل حمایت از مستضعفان همیشه در جهت مقابله با تعدی به حقوق اساسی و آزادی بشر (حق تعیین سرنوشت نیز می‌تواند نمودی از آن باشد) که در مقدمه اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۰ میلادی در اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (هم‌اینک سازمان همکاری اسلامی) در قاهره تضمین شده، آورده شده است.^۱ با توجه به عدم طبقه‌بندی حقوق به حقوق داخلی و بین‌المللی در نظام حقوقی اسلامی بایستی اصل حمایت از مستضعفان را از جمله قواعدی دانست که واجد کارایی دوگانه داخلی و بین‌المللی است که اعمال آن در حقوق بین‌الملل به‌صورت مداخله بشردوستانه در معنای عام و در نظام داخلی به‌شکل حمایت‌های ویژه قانونی از محرومان تجلی می‌یابد. (جاوید و محمدی، ۱۳۹۲: ۶۲) با توضیحات ارائه شده، بایستی محدوده پردازش به اصل حمایت از مستضعفان را با توجه به موضوع مقاله حاضر، به حمایت‌های مادی

۱. در مقدمه اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۰ میلادی آمده است: «حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی

در اسلام، جزئی از دین مسلمین است.» (معرفت، ۱۳۷۸: ۲۴۵)

محدود کنیم. رهبری و سایر مسئولان ارشد ج.ا.ایران همواره بر حمایت تسلیحاتی از جنبش‌های مقاومت اسلامی همچون حزب‌ا... لبنان و حماس تأکید کرده‌اند.

۳-۱-۳. همکاری در مقابله با عملکرد بین‌المللی تروریسم

مقابله با تروریسم به‌ویژه تروریسم سلفی‌گری در لبنان و فلسطین از دیگر استدلال‌های عمده و مهمی می‌باشد که می‌توان برای قانونی بودن کمک تسلیحاتی به جنبش‌های مقاومت اسلامی از سوی ج.ا.ایران ارائه داد. با توجه به اینکه حزب الله لبنان و حماس به‌عنوان دو نمود بارز جنبش مقاومت اسلامی، هر دو در جهت اعمال حق تعیین سرنوشت مردم لبنان و فلسطین می‌کوشند، بنابراین می‌توان با توجه به حضور عوامل تروریستی به‌ویژه پس از بحران سال ۲۰۱۱ سوریه که دامنه‌های آن به لبنان و فلسطین نیز کشیده شده، حمایت تسلیحاتی ج.ا.ایران را اقدامی در جهت مبارزه با تروریسم به‌ویژه تروریسم دولتی حمایت شده از سوی رژیم صهیونیستی و اتحاد عربی - غربی دانست.

پس از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و گسترش تروریسم دولتی، یکی از عوامل مهم تهدید کننده صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی، عملکرد گروه‌های تروریستی محسوب می‌شود. (Dorall, 2003: 15) در گزارش سال ۲۰۰۵ میلادی «به‌سوی آزادی بیشتر، توسعه و امنیت و حقوق بشر» کوفی عنان، دبیرکل وقت ملل متحد نیز تروریسم به‌عنوان یکی از چالش‌های نوین نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی مطرح شده و تأکید گردید: «تروریسم همه ارزش‌هایی را که سازمان ملل متحد به دفاع از آنها پایبند است یعنی احترام به حقوق بشر، حاکمیت قانون، پشتیبانی از غیرنظامیان، تسامح و تساهل میان ملت‌ها و دولت‌ها و حل مسالمت‌آمیز درگیری‌ها را هدف گرفته است». (امیری وحید، ۱۳۸۴: ۵۹)

سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و حتی پیش از آن، اقدام‌های مهمی از جمله تصویب اسناد الزام‌آور بین‌المللی برای مقابله

با تروریسم و ضرورت کمک دولت‌ها به یکدیگر در مقابله با عملکرد بین‌المللی تروریسم به تصویب رسانیده‌اند، به‌گونه‌ای که تاکنون تنها خود سازمان ملل متحد، ۱۸ سند بین‌المللی الزام‌آور شامل ۱۴ سند و چهار اصلحیه آنها را برای تشریح شیوه مقابله سازمان ملل متحد با جنبه‌های مختلف اعمال تروریستی بین‌المللی، به تصویب رسانده است.^۱ افزون بر این، ضرورت همکاری بین‌المللی به منظور مقابله با عملکرد بین‌المللی تروریسم در قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ شورای امنیت نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ افزون بر اینکه شورا در مقدمه قطعنامه ۱۳۷۳، دولت‌ها را به «افزایش همکاری و اجرای کامل معاهده‌های بین‌المللی مربوط به تروریسم» فراخوانده و از «ضرورت همکاری بین‌المللی دولت‌ها برای اتخاذ تدابیر مؤثرتر در جهت از میان بردن منابع مالی و محو کلیه زمینه‌های اعمال تروریستی» دم می‌زند، در متن آن از ضرورت اتخاذ تدابیر مناسب از طریق ترتیبات و توافقات دو و چندجانبه (از جمله از طریق حمایت‌های تسلیحاتی برای مقابله با تروریسم) حمایت می‌نماید. (کازرونی، ۱۳۹۳: ۲۳۴)

با توجه به اینکه تروریسم سلفی‌گری در سوریه و سایر نواحی، از قابلیت دستیابی و کاربرد تسلیحات شیمیایی (همان‌گونه که در آگوست ۲۰۱۳ در منطقه غوطه شرقی در ریف دمشق منجر به تلفات عمده غیرنظامیان شد) برخوردار می‌باشد؛ بنابراین حمایت تسلیحاتی ج.ا.ایران از دولت‌های ملی در لبنان و فلسطین برای مقابله با تروریسم، اقدامی در جهت اجرای قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت نیز می‌باشد که در آن تأکید گردیده: «بازیگران غیردولتی باید از توسعه، دستیابی، ساخت، تملک، انتقال و استفاده از تسلیحات شیمیایی، هسته‌ای و بیولوژیکی و سامانه‌های حمل آنها به هر شکلی (از جمله حمایت‌های تسلیحاتی) باز داشته شوند». (کازرونی، ۱۳۹۴: ۱۲۱)

موارد عینی چنین رویکردی به‌وضوح در سیاست ج.ا.ایران به‌شکل عام و حمایت‌های تسلیحاتی ج.ا.ایران به جنبش‌های مقاومت اسلامی به‌شکل خاص نمایان

1. United Nations, 'United Nations Action to Counter Terrorism, www.un.org

می‌باشد؛ یکی از بارزترین حرکت‌ها در این زمینه را می‌توان تصویب قطعنامه پیشنهادی ج.ا.ایران در مجمع عمومی ملل متحد با موضوع «جهان علیه خشونت و افراطی‌گری» دانست که در بند ۱۳ آن تمام دولت‌های عضو سازمان ملل متحد، سازمان‌های منطقه‌ای، سازمان‌های غیردولتی و دیگر صاحبان منافع مربوط را به تحقق اهداف این قطعنامه از جمله همکاری در مبارزه با تروریسم و افراطی‌گری فرا می‌خواند.^۱ در پایان باید اذعان نمود رویکرد جدید ج.ا.ایران در مقابله با تروریسم بین‌المللی برای تقویت دول ملی به‌ویژه در منطقه غرب آسیا، «رویکرد همه‌جانبه برای ریشه‌کنی تروریسم» می‌باشد که از سوی دکتر روحانی در اجلاس گرامیداشت شصتمین سال تأسیس اجلاس آسیا - آفریقا در اردیبهشت ۱۳۹۴ ارائه شد.^۲

۲-۳. دیدگاه‌های مخالفان تسلیح کرانه باختری از دیدگاه اصول حقوق بین‌الملل

در ادامه بحث، دیدگاه‌های مخالفان تسلیح کرانه باختری از سوی ج.ا.ایران آورده می‌شود. دو استدلال عمده تروریستی بودن جنبش‌های یادشده از یکسو و نقض تحریم‌های تسلیحاتی شورای امنیت به‌ویژه علیه ج.ا.ایران را در توجیه غیرقانونی بودن این حمایت‌های تسلیحاتی ارائه می‌دهند.

۱-۲-۳. تروریستی بودن جنبش‌های مقاومت اسلامی مورد حمایت ج.ا.ایران

یکی از استدلال‌های محوری که به‌ویژه از سوی ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در خصوص غیرقانونی بودن حمایت‌های تسلیحاتی ج.ا.ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی مطرح می‌گردد، تروریستی بودن آنها بوده و حمایت تسلیحاتی ایران را

1. General Assembly resolution A/68/L.31 "A World against Violence and Violent Extremism" adopted on 10 December 2013, para 13.

2. www.presstv.ir

به این شیوه، حمایت از تروریسم می‌دانند^۱ که بر مبنای قطعنامه‌های فصل هفتمی شورای امنیت از جمله ۱۳۷۳ که مقرر می‌دارد تمامی دولت‌ها بایستی از تأمین هر شکل از حمایت (فعالانه یا منفعلانه) برای موجودیت‌ها یا اشخاصی که در اقدام‌های تروریستی دخیل هستند، خودداری کرده، گام‌های ضروری برای جلوگیری از ارتکاب اعمال تروریستی را اتخاذ کرده و احتراز ورزند از اینکه مکان امنی باشند برای کسانی که به تأمین مالی، برنامه‌ریزی، حمایت و ارتکاب اعمال تروریستی می‌پردازند. (House, 2005: 701)

آنها اتهام‌هایی از جمله تلقی جنبش‌های مقاومت اسلامی همچون حزب‌ا... لبنان و حماس به‌عنوان گروه‌های مرتبط با القاعده را مطرح ساخته‌اند. (House, 2005: 701)

ج.ا.ایران برعکس، رژیم صهیونیستی و آمریکا را به‌عنوان بزرگ‌ترین حامیان تروریسم دولتی در جهان معرفی می‌نماید. (Roshandel & H. Cook, 2009: 100) در مقابل می‌توان ایرادهای زیر را بر این ادعا وارد آورد:

(الف) در حقوق بین‌الملل هیچ‌گونه تعریف معاهداتی عام الشمول یا حتی عرفی عام از اعمال تروریستی وجود نداشته و دولت‌ها و حتی برخی سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای بنا به فراخور هدف و موضوع کارکردی خود اقدام به تعریف این مفهوم نموده‌اند که به هیچ وجه حاکی از جهانشمولی این چنین تعاریفی نیست؛ از سوی دیگر، اگرچه ایالات متحده و رژیم صهیونیستی پس از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، جنبش‌های مقاومت اسلامی از جمله حزب‌ا... لبنان را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دادند، اما این تصمیم نه تنها با اعتراض لبنان به‌عنوان کشور محل فعالیت این

۱. ایالات متحده به همین منظور، در سال ۲۰۰۷ میلادی پایگاهی در نزدیکی مرز ایران در استان واسط در شرق بغداد به‌منظور مقابله با انتقال تسلیحات ج.ا.ایران به جنبش‌های مقاومت اسلامی بنا نهاد. در جولای ۲۰۰۸ میلادی، نیروهای ایالات متحده و کارشناسان امنیت مرزی آن، پایگاه‌های دیگری در نزدیکی مرز ایران در استان میزان عراق برپا داشتند؛ همچنین دولت جرج دبلو بوش در ۲۱ اکتبر ۲۰۰۷ میلادی بر طبق دستور اجرایی ۱۳۲۲۴، نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست ادعایی موجودیت‌های حامی تروریسم قرار داد. (Katzman, 2010: 4)

جنبش و کشورهای اسلامی مواجه شد، بلکه اتحادیه اروپایی به عنوان متحد آمریکا نیز به این تصمیم به شدت اعتراض نمود (M Rudolph, Van Engeland, 2013: 30) که نمایانگر عدم اتفاق نظر در مورد مشمولیت این جنبش‌ها زیر لوای سازمان‌های تروریستی در سطح جامعه بین‌المللی می‌باشد.^۱

(ب) همان‌گونه که ج.ا.ایران بارها تأکید کرده، تنها مرجع صالح بین‌المللی برای تعیین وصف اعمال تروریستی، سازمان ملل متحد و به‌ویژه شورای امنیت آن می‌باشد. این در حالی است که در هیچ یک از قطعنامه‌های شورای امنیت یا مجمع عمومی ملل متحد یا نهادهای صالح دیگر ملل متحد در زمینه مقابله با اعمال تروریستی، جنبش‌های مقاومت اسلامی همچون حزب... لبنان و حماس در زمره گروه‌های تروریستی آورده نشده‌اند^۲ و بنابراین ادعای دول بیشتر غربی مبنی بر تروریستی بودن این گروه‌ها فاقد وجهت قانونی از لحاظ حقوق بین‌الملل می‌باشد.^۳

(ج) ج.ا.ایران پس از حملات غیرقانونی ایالات متحده آمریکا به افغانستان و عراق در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ میلادی تأکید نموده که حضور قدرت‌های نظامی خارجی در

۱. البته پارلمان اروپایی در سال ۲۰۰۵ میلادی در یک تصمیم غیرالزام‌آور، حزب... لبنان را در فهرست سازمان‌های حامی تروریسم قرار داد؛ با این حال این تصمیم فراتر از بعد اعلامی آن، کشورها را در اتحادیه اروپایی ملزم نمود تا اقدام‌هایی علیه این جنبش مقاومت اسلامی اتخاذ نمایند یا ارتباطاتشان را تا زمانی که خود اتحادیه اروپایی تصمیم الزام‌آوری در این زمینه اتخاذ نماید، به حالت تعلیق درآورند. (Azani, 2008: 238)

۲. برای مثال، سازمان ملل متحد پس از پایان تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به لبنان و پیروزی قاطع حزب الله، اقدام به تصویب قطعنامه ۱۷۰۱ در سال ۲۰۰۶ به منظور ایجاد آتش بس و استقرار نیروی حافظ صلح ملل متحد با عنوان نیروی سازمان ملل متحد در لبنان یا یونیفیل نمود؛ در حالی که هیچ استنادی به تروریستی بودن حزب الله لبنان ننمود. (Linnan, 2008: 253)

۳. در این زمینه می‌توان به گزارش‌های وزارت امور خارجه ایالات متحده راجع به تروریسم اشاره داشت که بر مبنای آن، ج.ا.ایران از سازمان‌ها و گروه‌های شبه نظامی از جمله حزب الله لبنان، گروه‌های شبه نظامی فلسطینی، شبه نظامیان عراق و جنگجویان طالبان در افغانستان که از نظر ایالات متحده، تروریستی می‌باشند، اشاره داشت. (Addis, 2010: 3)

منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا خود برهم زنده صلح و امنیت منطقه‌ای و عاملی برای رشد تروریسم در این منطقه گردیده است.^۱ همچنین ج.ا.ایران از معیارهای دوگانه غرب برای مقابله با اقدام‌های تروریستی و به‌ویژه حمایت از اقدام‌های تروریستی رژیم صهیونیستی همواره انتقاد کرده^۲ و خواستار اجماع در باب این موضوع گردیده است.^۳ ادعای حمایت‌های تسلیحاتی ج.ا.ایران از گروه‌ها و عملکرد بین‌المللی تروریسم مخالف آموزه‌های بنیانی فرهنگی و دینی حقوق بین‌الملل اسلام می‌باشد؛ چرا که افزون بر آیات قرآنی (از جمله آیه ۳۲ سوره مائده) به شدت از نظر فقها نهی شده است. (عباسی، ۱۳۹۲: ۴۴)

۲-۳. نقض تحریم‌های تسلیحاتی شورای امنیت سازمان ملل علیه ج.ا.ایران

یکی دیگر از استدلال‌هایی که از سوی مخالفان ارسال تسلیحات ج.ا.ایران به جنبش‌های مقاومت اسلامی مطرح می‌گردد، نقض تحریم‌های تسلیحاتی شورای امنیت علیه ج.ا.ایران و سایر تحریم‌های تسلیحاتی این شورا می‌باشد. تا به امروز، شورای امنیت یک بیانیه ریاستی (S/PRST/2006، مارس ۲۰۰۶) و شش قطعنامه، یعنی قطعنامه‌های شماره ۱۶۹۶ (جولای ۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (دسامبر ۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (مارس ۲۰۰۷)، ۱۸۰۳

۱. در این زمینه می‌توان به اظهارات مقام معظم رهبری در این زمینه اشاره نمود که فرموده‌اند: «امروزه سیاست‌های استکباری در این منطقه کاملاً افشا شده است. ملت‌ها می‌دانند که سیاست‌های استکباری در این منطقه چه می‌خواهند؛ دنبال چه آمده‌اند. حضور آمریکایی‌ها در خلیج فارس وسیله ناامنی است؛ این را ملت‌ها فهمیده‌اند ... مهم‌ترین وسیله ناامنی برای مردم عراق، حضور بی‌محابای اشغالگران است که نه به جان مردم، نه به

مال مردم، نه به ناموس مردم، نه به غرور ملی مردم، هیچ اعتنایی نمی‌کنند».www.khamenei.ir

۲. راهبرد ۲۰۰۳ میلادی امنیت اروپایی در بخشی راجع به تروریسم خاطر نشان می‌سازد: تروریسم یک تهدید راهبردی فزاینده برای کل اروپا محسوب می‌شود. موج اخیر تروریسم دارای یک گستره جهانی است و با «بنیاد گرایی مذهبی» مرتبط است و از عوامل پیچیده‌ای از فشارهای ناشی از نوگرایی (مدرنیته) گرفته تا بحران‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نشئت می‌گیرد. (عسگرخانی و حاتم‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۱۱)

۳. استفان سگالر نیز تصریح می‌دارد: «ما غربی‌ها، دشمنان را به دلیل ارتکاب تروریسم محکوم می‌کنیم، اما اگر همین اقدام‌ها توسط متحدان و دوستان ما صورت گیرد، در قالب عباراتی زیبا مانند مبارزه رهایی‌بخش، مقابله با حکومت‌های دیکتاتور و سرکوبگر و دفاع مشروع به توجیه آن می‌پردازیم».www.khamenei.ir (عباسی، ۱۳۹۲: ۴۲)

(مارس ۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (سپتامبر ۲۰۰۸) و ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) علیه برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران وضع نموده که از این بین چهار قطعنامه ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹ بر مبنای ماده ۴۱ منشور به وضع تحریم علیه ج.ا.ایران پرداخته‌اند. (U.S. Department of State, 2011: 35)

برای بحث راجع به این موضوع که آیا ج.ا.ایران با حمایت‌های تسلیحاتی خود از جنبش‌های مقاومت اسلامی مرتکب نقض تحریم‌های تسلیحاتی ملل گردیده، باید نخست این تحریم‌های تسلیحاتی علیه ج.ا.ایران را مورد بررسی قرار داد. از بین تمامی این تحریم‌های ملل متحد به فراخور موضوع بحث، تحریم‌های تسلیحاتی مندرج در قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷ و ۱۹۲۹ از اهمیت برجسته‌تری برخوردار می‌باشند و در این بخش نیز بر همین سه قطعنامه تأکید خواهد شد. شورای امنیت در دسامبر ۲۰۰۶ قطعنامه ۱۷۳۷ را به اجماع مورد پذیرش قرار داد که از دولت‌ها می‌خواست تا اقدام‌های ضروری به منظور پیشگیری از تأمین، انتقال یا فروش تمامی مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری که بتواند به فعالیت‌های غنی‌سازی، بازآوری یا فعالیت‌های مرتبط با آب سنگین یا توسعه سامانه‌های تحویل تسلیحات هسته‌ای منجر شود، اتخاذ نمایند.^۱ (Fayazmanesh, 2008: 9)

این تحریم به‌صراحت با تسلیحات متعارف مرتبط نبود، با این حال پوشش ممنوعیت این تحریم‌ها به‌گونه‌ای سازماندهی شده بود که تولید، انتقال، صادرات و واردات تسلیحات با کاربرد دوگانه متعارف و هسته‌ای را ممنوع می‌نمود، اما صورت

۱. ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپایی پس از صدور تحریم‌های تسلیحاتی ۱۷۳۷ خود مبادرت به صدور تحریم‌های تسلیحاتی فراتر از این قطعنامه به‌منظور اجرای آن نمودند از جمله زمانی که شورای اتحادیه اروپایی در ۲۷ فوریه ۲۰۰۷ میلادی، سند «موضع مشترک» را با ادعای اجرای قطعنامه ۱۷۳۷ تصویب نمود، شماری از اقدام‌های اضافی تحریم‌های تسلیحاتی را به تحریم‌های ملل متحد اضافه نمود. اتحادیه اروپا، این تحریم‌های تسلیحاتی را به «تمامی مواردی که فهرست‌های نظام واپایش گروه تأمین‌کننده هسته‌ای و فناوری موشکی» بسط داد. همچنین، اتحادیه یادشده، اعضا و موجودیت‌های بیشتری نسبت به فهرست تحریم اشخاص ملل متحد را که با برنامه نظامی ایران مرتبط بودند، در فهرست تحریم‌های اشخاص خود قرار داد. (Taylor, 2012: 75)

مفصل و دقیقی از این تسلیحات را ارائه نداده و به جای آن به «فهرست عناصر و فناوری مرتبط با برنامه‌های موشک‌های بالستیک»^۱ که در قطعنامه S/2006/815 علیه کره شمالی وضع شده بود، استناد می‌داد. این سند مربوط به تحویل و تولید سامانه‌های راکت از جمله سامانه‌های موشک بالستیک، وسایل پرتاب فضایی و وسایل هوایی بدون سرنشین از جمله موشک‌های کروز، پهپادهای شناسایی (قادر به حمل ۵۰۰ کیلوگرم بار با برد حداقل ۳۰۰ کیلومتری) می‌گردید.^۲ افزون بر این، قطعنامه از تمامی دولت‌ها خواسته بود تا از تأمین کمک فنی، آموزشی و مالی در تولید و توسعه چنین تسلیحاتی برای ج.ا.ایران خودداری ورزند. (Charron, 2011: 134)

شورای امنیت همچنین در ماده ۵ قطعنامه ۱۷۴۷ در مارس ۲۰۰۷ میلادی، مقرر داشت که ایران نباید به شکل مستقیم یا غیرمستقیم از کشور، اتباع، کشتی‌ها یا هواپیماهای تحت پرچم خود برای فروش، تأمین یا انتقال تسلیحات یا اقلام مربوط به آن استفاده کند و از تمامی دولت‌ها خواست تا در تأمین همه نوع موادی که تحت الشمول طرح ثبت تسلیحات ملل متحد به ایران قرار می‌گیرند، احتیاط و مراقبت را اعمال نمایند. با این حال، قطعنامه یادشده تنها بر منع صادرات تسلیحات ممنوعه از ایران قواعدی را وضع نموده و واردات تسلیحات را تحت تأثیر قرار نمی‌داد. (Reardon, 2012: 18)

همچنین دوباره به سامانه‌های موشکی و پرتابی ج.ا.ایران در بند ۳ این قطعنامه توجه شده بود و از تمامی کشورها خواسته شد تا اقدام‌های لازم به منظور «مانعت از تأمین و فروش و یا انتقال مستقیم و غیرمستقیم اقلام، مواد، تجهیزات، کالاهای و فناوری که ممکن است به فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی، بازفرآوری و آب سنگین و یا تولید سامانه‌های پرتابی سلاح هسته‌ای منجر شود، از طریق قلمروشان و یا به

1. A list of items and technology related to ballistic missile programmes

2. www.sipri.org

وسیلهٔ اتباعشان و یا قایق‌ها و هواپیماهای پرچمدارشان و یا برای استفاده دریا به نفع ایران» (فلاحی، ۱۳۸۶: ۱۰۰) اتخاذ شود.

قطعنامهٔ ۱۹۲۹ شورای امنیت در ۹ ژوئن ۲۰۱۰ میلادی که با اجماع به تصویب نرسید (۱۲ رأی مثبت، ۲ رأی ممتنع و یک رأی منفی)^۱ محدودیت‌های بیشتری را بر صادرات تسلیحات به و از ایران وضع نمود. در قطعنامهٔ ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد، غیر از تمرکز بر مسائل هسته‌ای متمایز از قطعنامه‌های قبلی، به صراحت توانمندی موشکی ایران نیز در بند ۹ قطعنامه یاد شده، با مسائل هسته‌ای مرتبط شده و ایران را از هرگونه فعالیت مرتبط با موشک‌های بالستیک دارای قابلیت حمل سلاح هسته‌ای منع و از کشورهای دیگر خواسته شده مانع انتقال این‌گونه فناوری‌ها به ایران شوند. (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۵۸)

این قطعنامه دوباره و با تفصیل بیشتری تمامی دولت‌ها را از تأمین مستقیم یا غیرمستقیم یا کمک به تأمین تسلیحات عمدهٔ متعارف، آن‌گونه که به وسیلهٔ طرح ثبت تسلیحات متعارف سازمان ملل متحد مشخص گردیده (یعنی تانک‌های رزمی، وسایل زرهی مسلح، بالگردهای رزمی، کشتی‌های جنگی و موشک‌های خاص و سامانه‌های موشکی، سامانه‌های زرهی با کالیبر بالا) به منظور جلوگیری از انباشت بی‌ثبات‌کنندهٔ تسلیحات، بر حذر داشته است. (Goldschmidt, Kuchins & Gomart, 2008: 6)

در پاسخ به این ایرادها بایستی نکاتی در راستای اثبات قانونی بودن حمایت‌های تسلیحاتی ج.ا.ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی ابراز داشت:

۱. در قطعنامهٔ ۱۹۲۹ که به عنوان آخرین قطعنامهٔ شورای امنیت تا به امروز علیه برنامهٔ هسته‌ای ایران به تصویب رسیده است، کشورهای ترکیه و برزیل رأی منفی داده، لبنان رأی ممتنع داده و پنج عضو دائم شورای امنیت به علاوه هفت عضو غیردائم یعنی اتریش، بوسنی و هرزگوین، ژاپن، مکزیک، گابن، نیجریه و اوگاندا رأی مثبت دادند.

(الف) ج.ا.ایران پیوسته بر غیرقانونی بودن تحریم‌های شورای امنیت علیه خود^۱ و اینکه فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای از مصادیق حق تعیین سرنوشت آن محسوب می‌شود (همچنان که در بیانیه ج.ا.ایران نسبت به تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت مشهود می‌باشد) تأکید وافر داشته است؛ این تأکید بر غیرقانونی بودن، از یکسو بر عدم هرگونه آزمایش تسلیحات هسته‌ای (برخلاف کره شمالی) و صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران (همچنان که در گزارش‌های مکرر سازمان بین‌المللی انرژی اتمی مورد تصریح واقع گردیده) متمرکز بوده و از سوی دیگر بر سیاسی کردن^۲ و عدم طی شدن مراحل ارجاع وضعیت یک دولت عضو معاهده پادمان سازمان بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت تکیه دارد.^۳ این تأکید بر غیرقانونی بودن تحریم‌ها از جمله تحریم‌های تسلیحاتی شورای امنیت حتی به شکل ضمنی در درون دول طرفدار اعمال تحریم‌های تسلیحاتی

۱. برای مثال، منوچهر متکی، وزیر امور خارجه وقت ج.ا.ایران پس از تصویب قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت خاطر نشان ساخت که شورای امنیت اقدام غیرضروری و غیرقابل توجیهی علیه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران که هیچ تهدیدی نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی ارائه نمی‌کند، اتخاذ کرده و از این رو در خارج از مأموریت مبتنی بر منشور شورای امنیت قرار می‌گیرد. همچنین احمدی‌نژاد پس از تصویب دور تازه تحریم‌های بین‌المللی در سال ۲۰۰۸ میلادی تأکید کرد: «ملت ایران راه خود را انتخاب کرده و به آن ادامه می‌دهد. این چنین رفتارهای غیرقانونی، ملت ایران را از مسیرش منحرف نخواهد کرد» (Kidwai, 2010: 136).

۲. فشار سیاسی بر برنامه هسته‌ای ایران، از سال ۲۰۰۲ و پس از آنکه گروه تروریستی منافقین در همکاری با ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به شکل نادرستی ادعا کرد که ج.ا.ایران در حال ساخت تأسیسات غیرقانونی غنی‌سازی اورانیوم و آب سنگین می‌باشد، آغاز شد. (St. Clair & Frank, 2012: 202).

۳. سلسله مراتب احراز عدم پایبندی یک کشور به معاهدات پادمان به این شکل است: احراز عدم پایبندی از سوی بازرسان، گزارش به مدیرکل آژانس، انعکاس موضوع به شورای حکام، درخواست برای اتخاذ اقدام‌های اصلاحی در مدت زمان معقول و در نهایت اقدام‌های تنبیهی. در ماده چهار موافقتنامه همکاری ملل متحد و سازمان بین‌المللی انرژی اتمی اشاره شده که سازمان یادشده باید هرگونه مصداق عدم پایبندی را با استناد به ماده ۱۲ اساسنامه خود به شورای امنیت گزارش دهد. با این حال، اصلی‌ترین انتقاد به سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای آن است که در ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت مراحل یادشده طی نگردیده و به عبارتی، یک مسیر غیرحقوقی دنبال شده است. (کوشا و اسکندری، ۱۳۹۱: ۳۸۲)

به ویژه ایالات متحده نیز ملاحظه می گردد؛ چه آنکه با انتشار سند برآورد ملی اطلاعات^۱ در سال ۲۰۰۷ میلادی از سوی سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا مبنی بر اینکه اگرچه ایران تا پاییز ۲۰۰۳ میلادی برنامه تولید تسلیحات هسته ای داشته، اما این برنامه استمرار نیافته (Reardon, 2012: 19) اثبات شد که فشارها بر اعمال تحریم تسلیحاتی ایران، بیش از آنکه مبتنی بر دلایل موجه حقوقی و فنی باشد، بر انگیزه های سیاسی استوار است.

(ب) جدا از بحث تحریم تسلیحاتی، ج.ا.ایران هرگونه قاچاق تسلیحات به جنبش های مقاومت اسلامی را رد کرده و بر قانونی بودن این حمایت های تسلیحاتی تأکید وافر دارد. کامیابی ج.ا.ایران در حمایت تسلیحاتی از جنبش های مقاومت اسلامی، منبع عمده اختلاف نظر با ایالات متحده آمریکا^۲، رژیم صهیونیستی، مصر و تا اندازه کمتری کشورهای اروپایی بوده است. (Owen Freedman, 1998: 245) این کامیابی در حمایت تسلیحاتی ج.ا.ایران از جنبش های مقاومت اسلامی از سوی بسیاری از تحلیلگران به عنوان یکی از عرصه های توفیق دیپلماسی نظامی ج.ا.ایران تعبیر شده است. (Goldstein, 2015: 18)

ج.ا.ایران از سال ۱۹۸۸ تا پیش از اعمال نخستین تحریم های شورای امنیت در ۲۰۰۶ میلادی، کمتر و کمتر به واردات تسلیحات و کمک های فنی نظامی از ناحیه دولت های خارجی متکی بوده، در حالی که محصولات نظامی تولیدی نیروهای مسلح ایران پیوسته در حال رشد بوده، به گونه ای که بر مبنای بسیاری از برآوردها، امروزه نخستین صنعت نظامی پربازده در سطح منطقه غرب آسیا مربوط به صنعت نظامی ج.ا.ایران می باشد. (Askari, Mohseni & Daneshvar, 2010: 141)

1. National Intelligence Estimate 2007 (NIE)

۲. در مارس ۲۰۰۷ میلادی و پس از تصویب قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت علیه ایران، وزارت دفاع ایالات متحده با صدور بیانیه ای اعلان داشت: «ایران امروزه یکی از بزرگ ترین تهدیدها نسبت به صلح بین المللی می باشد. تلاش های ایران برای ایجاد قابلیت تسلیحات هسته ای، حمایتش از گروه های تروریستی در خاورمیانه و ...، ایران را به یکی از فوری ترین نگرانی ها برای سیاست خارجی آمریکا تبدیل کرده است. (Roshandel and Cook, 2009: 141)

تحریم‌ها مانع از اطلاعات کیفی از امکانات و تجهیزات تولیدی نیروهای مسلح ج.ا.ایران شده است. (9: Askari, Mohseni & Daneshvar, 2010). ج.ا.ایران همواره تمام موازین حقوقی بین‌المللی در راستای اعطای حمایت‌های تسلیحاتی خود به جنبش‌های مقاومت اسلامی به‌ویژه اصل عدم تجاوز سرزمینی را رعایت کرده، همچنان که به دنبال ادعای وزیر امور خارجه ترکیه در سال ۱۹۹۳ میلادی بابت ترور یک تاجر صهیونیست موسوم به مومکو^۱ توسط حمایت‌های تسلیحاتی ایران از حزب الله در ترکیه، ج.ا.ایران ضمن رد این اتهام، هرگونه احتمالی که فعالیت ضد ترکیه در قلمروی ایران بتواند از صلاحیت دولت ج.ا.ایران بگریزد را رد کرده و برعکس دولت ترکیه را متهم به حمایت از گروه‌های تروریستی بر ضد ج.ا.ایران نمود. (Rubin, 2012: 48) آن‌گونه که «علی دباغ» سخنگوی دولت عراق در پاسخ به ادعای ایالات متحده مبنی بر ضبط موشک‌های ایرانی در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ میلادی که برای حمایت از گروه‌های شیعی در عراق ارسال شده بود گفت: «هیچ شواهد قطعی مبنی بر آنکه گروه‌های تندرو شیعی مستقیماً آن‌گونه که از سوی ایالات متحده آمریکا مورد ادعا قرار گرفته، با برخی از تسلیحات ایران تجهیز شده‌اند، وجود ندارد.» (Golam Mowla, 2008: 481)

(ج) به‌علت مخالفت روسیه و چین^۲ با برقراری نظام نظارتی و محدود کننده تسلیحاتی مانند عراق و لیبی در مورد ج.ا.ایران، تحریم‌های تسلیحاتی شورای امنیت موضع ملایم‌تری اتخاذ کرده و فاقد بسیاری از محدودیت‌های آنها می‌باشد. (2008: 677 Miller & Bratspies) این تحریم‌های تسلیحاتی شامل تسلیحات کوچک و سبک و همچنین سایر تسلیحات پرتابه‌ای و موشکی که فاقد قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای نباشند، نمی‌شود و تمامی تسلیحات انتقالی ج.ا.ایران به جنبش‌های مقاومت اسلامی از

1. Mumco

۲. برای مثال، به دنبال درخواست ایالات متحده از چین برای برگزاری جلسه‌ای در برلین آلمان به منظور مذاکره راجع به سومین قطعنامه احتمالی شورای امنیت علیه ایران در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۷ میلادی، دولت اخیر ضمن مخالفت با برگزاری این نشست به‌علت مشکلات فنی از حضور در این جلسه امتناع ورزید. (Shirley, 2011: 14)

این استثنا پیروی نموده است؛ ضمن آنکه بند ۵ قطعنامه ۱۷۴۷ که پیشتر مورد اشاره قرار گرفت نیز باید در همین راستا مورد تفسیر قرار گیرد.

(د) حمایت‌های تسلیحاتی ج.ا.ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی باید به صورت دوره‌ای و همپای وضع تحریم‌های تسلیحاتی و موردی به بحث گذاشته شود.

۳-۲-۳. نقض صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی

استدلال دیگری که از سوی مخالفان قانونی بودن حمایت‌های تسلیحاتی ج.ا.ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی ارائه می‌گیرد، نقض صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه اختلال در فرایند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی با استفاده از این حمایت‌های تسلیحاتی می‌باشد. این اظهارات از جمله در سال ۲۰۱۲ میلادی از سوی آقای صاحب زاده احمد خان، نماینده پاکستان در ملل متحد در هنگام بررسی امکان نقض تحریم‌های تسلیحاتی شورای امنیت توسط ج.ا.ایران از جمله در انجام رزمایش نظامی پیامبر اعظم، انتقال تسلیحات به سوریه و جنبش‌های مقاومت اسلامی ارائه شد. (United Nations, 2012: 3) همچنین می‌توان به اظهارات «دیوید پرسمن»^۱، یکی از نمایندگان دولت ایالات متحده در ملل متحد در هنگام برگزاری جلسه توجیهی شورای امنیت در مورد ایران و قطعنامه ۱۷۴۷ در سال ۲۰۱۴ میلادی اشاره نمود.^۲

دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مخالف قانونی بودن تحریم‌های شورای امنیت علیه ج.ا.ایران به صورت عام و حمایت‌های تسلیحاتی ج.ا.ایران به صورت خاص هیچ‌گاه به شکل دقیق و مفصل اطلاعات مستدلی از نقض تحریم‌های یادشده از سوی ج.ا.ایران و به دنبال آن نقض صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای ارائه نداده‌اند؛ همچنان که در بیانیه صادره اتحادیه اروپایی در سال ۲۰۱۳ موسوم به «پیام‌های مشترک در ارتباط با تحریم‌های اتحادیه

1 David Pressman

2 Remarks by Ambassador David Pressman, U.S. Alternate Representative to the United Nations for Special Political Affairs, at a Security Council Briefing on Iran and Resolution 1737, www.usun.state.gov

اروپایی علیه برنامه هسته‌ای ایران»^۱ بدون اشاره دقیق به موارد نقض تعهدات ج.ا.ایران بر مبنای معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و قطعنامه‌های شورای امنیت، صرفاً مدعی نقض تعهدات بین‌المللی ج.ا.ایران شده است.^۲ ج.ا.ایران همواره از راه‌های مختلف مانند اعزام ناوگروه‌های ارتش ج.ا.ایران به خلیج عدن برای مقابله با دزدی دریایی، انجام رزمایش‌های نظامی به‌ویژه در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند، انتقال دانش فنی بومی تسلیحاتی خود به کشورهای مسلمان و ... بر حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق قدرت دفاعی نظامی و تسلیحاتی خویش تأکید کرده و حضور نظامی دولت‌های بیگانه در منطقه را مخل صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای دانسته است.

۴. نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از مقاله را به‌صورت فشرده می‌توان این‌گونه عنوان کرد:

(الف) استناد به سه استدلال مهم اعمال حق تعیین سرنوشت، اجرای اصل حمایت از مستضعفان و مقابله با تروریسم در راستای تقویت دولت ملی، قانونی بودن سیاست تسلیح کرانه باختری را اثبات نموده است. هر سه استدلال بالا مبانی محکمی برای اثبات در حقوق بین‌الملل دارد و می‌تواند برای توجیه قانونی بودن حمایت‌های تسلیحاتی ایران به‌کار رود.

(ب) مخالفان قانونی بودن حمایت‌های تسلیحاتی ج.ا.ایران به جنبش‌های مقاومت اسلامی به دو استدلال عمده تروریستی بودن جنبش‌های مقاومت اسلامی مورد حمایت تسلیحاتی ایران و همچنین نقض تحریم‌های تسلیحاتی شورای امنیت علیه ج.ا.ایران و سایر تحریم‌های مرتبط استناد می‌نمایند.

1 Common messages regarding EU sanctions against the Iranian nuclear programme, for farsi version see:

www.webcache.googleusercontent.com

2 <http://www.ejiltalk.org/category/arms-control/>

(ج) با توجه به عدم درج هیچ کدام از جنبش‌های مقاومت اسلامی مورد حمایت تسلیحاتی ج.ا.ایران در فهرست سازمان‌های تروریستی در قطعنامه‌های شورای امنیت به‌عنوان رکن صالح برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، استدلال تروریستی بودن جنبش‌های مقاومت اسلامی مورد حمایت ایران رد می‌شود. قطعاً شورای امنیت به‌عنوان تنها رکن صالح بین‌المللی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بوده و تلاش سایر سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های غربی مبنی بر قرار دادن جنبش‌های مقاومت اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی نمی‌تواند از دیدگاه حقوقی مورد اتکا قرار گیرد.

(د) استدلال مخالفان حمایت‌های تسلیحاتی ج.ا.ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی بر جنبه‌های سیاسی استوار بوده، بدون اینکه هیچ‌گونه مبنای عینی و حقوقی برای اثبات استدلال خود ارائه دهند. این امر اثبات می‌نماید که قصد واقعی مخالفان حمایت‌های تسلیحاتی ج.ا.ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی، نه انتقاد از ماهیت حقوقی این حمایت‌ها، بلکه اهداف بزرگ‌تری یعنی از بین بردن یا تخطئه جریان مقاومت علیه رژیم صهیونیستی در منطقه و جهان و تلاش در جهت ایجاد یک اتحاد جمعی در منطقه غرب آسیا علیه ج.ا.ایران بوده که البته با همراهی چند دولت ضعیف عربی به‌ویژه عربستان سعودی و بحرین، تا اندازه‌ای در این اهداف خود نیز توفیق داشته‌اند.

پیروزی‌های جریان مقاومت نه‌تنها در سوریه و لبنان، بلکه در بحرین و به‌ویژه یمن اثبات نموده که تلاش مخالفان حمایت‌های تسلیحاتی ج.ا.ایران با آنچه مردم کشورهای مسلمان در جهت رفع ظلم و استبداد و استقرار عدالت و استقلال و حاکمیت موازین اسلامی می‌خواهند، بسیار متفاوت می‌باشد. در نهایت اینکه در هیچ کدام از موارد حمایت‌های تسلیحاتی ج.ا.ایران به جنبش‌های مقاومت اسلامی، تحریم‌های تسلیحاتی شورای امنیت علیه ج.ا.ایران نقض نشده، ضمن آنکه ج.ا.ایران نسبت به تحریم‌های علیه خود معترض بوده است.

منابع و یادداشت‌ها

۱. منابع فارسی

۱. ارجینی، حسین، (بهار ۱۳۸۹)، جایگاه اصل حمایت از مستضعفان و مظلومان در روابط خارجی دولت اسلامی، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال هفتم، شماره ۲۰.
۲. اصغری آقمشهدی، فخرالدین و فرناز شیرانی، (بهار ۱۳۹۲)، حق تعیین سرنوشت در اسناد بین‌المللی و قرآن کریم، *فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی*، سال دوم، شماره ۳.
۳. امیری وحید، مجتبی، (خرداد و تیر ۱۳۸۴)، سازمان ملل متحد در سده بیست و یکم: نگاهی به اصلاحات محتوایی و ساختاری سازمان ملل متحد، *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۲۱۳ و ۲۱۴.
۴. بهمنی قاجار، محمدعلی، (خرداد و تیر ۱۳۸۸)، چگونگی اعمال حق تعیین سرنوشت: مجاز نبودن جدایی‌خواهی، *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۲۶۱ و ۲۶۲.
۵. پیشگاهی فرد، زهرا و بهادر زارعی، (پاییز ۱۳۸۹)، عدالت اسلامی و گفتمان انتقادی در سیاست خارجی ایران، *فصلنامه سیاست*، دوره چهارم، شماره ۳.
۶. جاوید، محمدجواد و عقیل محمدی، (بهار و تابستان ۱۳۹۲)، نسبت اصل عدم مداخله در حقوق بین‌الملل معاصر و اصل حمایت از مستضعفین در حقوق اسلامی، *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره پنجم، شماره اول.
۷. جماعت‌ملک، امیرعباس، (زمستان ۱۳۸۲)، حزب الله لبنان، از رادیکالیسم تا مشارکت دموکراتیک، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۲۲.
۸. حسین، محمدهادی، (پاییز و زمستان ۱۳۸۵)، دخالت نظامی بشردوستانه اسلام و حقوق بین‌الملل، *فصلنامه گفتمان حقوقی*، شماره‌های ۱۰ و ۱۱.
۹. حیدری، ناصرالدین، (زمستان ۱۳۹۲)، مدل تصمیم‌گیری شهردی چندوجهی و برنامه هسته‌ای و موشکی ایران با تمرکز بر قطعنامه ۱۹۲۹، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۶۲.
۱۰. خسرو شیری، علی و مصطفی جوان، (بهار ۱۳۸۸)، ایران پس از انقلاب اسلامی و حزب الله لبنان: تأثیرات و پیامدها، *فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، شماره ۴۲.
۱۱. خواجه‌سروی، غلامرضا و حسن یعقوب‌نیا، (تابستان ۱۳۹۲)، واکاوی نقش انقلاب اسلامی ایران در بازآرایی بیداری اسلامی عربستان، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و دوم، شماره ۶۷.

۱۳. سیفی، جمال، (۱۳۷۳)، تحولات مفهوم حاکمیت دولت‌ها در پرتو اصل تعیین سرنوشت ملت-ها، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۵.
۱۴. ضیایی، سیدیا سر، (بهار ۱۳۹۰)، جدایی‌طلبی در حقوق بین‌الملل: تقابل حق تعیین سرنوشت مردم و اصل احترام به تمامیت ارضی کشورها، *فصلنامه پژوهش حقوقی*، سال سیزدهم، شماره ۳۲.
۱۵. عباسی، مجید، (زمستان ۱۳۹۲)، تأثیر عامل تروریسم بر تقابل اتحادیه اروپا و ج.ا.ایران پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و دوم، شماره ۶۹.
۱۶. عسگرخانی، ابومحمد و عزیزالله حاتم‌زاده، (پاییز ۱۳۹۲)، دلایل افزایش همکاری‌های آمریکا و اتحادیه اروپا در مبارزه با تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و دوم، شماره ۶۸.
۱۷. قطعنامه شماره ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه تروریسم که در اجلاس ۴۳۸۵ شورای امنیت مورخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ به تصویب رسید، (زمستان ۱۳۸۰)، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای*، شماره ۹.
۱۸. فلاحی، سارا، (بهار ۱۳۸۶)، بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی هسته‌ای دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد: تا پایان قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۶.
۱۹. کازرونی، سیدمصطفی، (۱۳۹۴)، *پناهندگی در حقوق بین‌الملل*، تهران، انتشارات نگاه بینه.
۲۰. کازرونی، سیدمصطفی، (۱۳۹۳)، مسئولیت حمایت در حقوق بین‌الملل، تهران، انتشارات نگاه بینه.
۲۱. کمایستانی، کرمعلی، (بهار ۱۳۷۱)، مطالعه‌ای در اصول حقوق بین‌الملل: بررسی دو اصل تعیین سرنوشت ملت و اصل مصونیت دولت‌ها، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۳.
۲۲. کوشا، سهیلا و محمدعلی اسکندری، (تابستان ۱۳۹۱)، چالش‌های حقوقی ارجاع پرونده هسته-ای ایران به شورای امنیت و قطعنامه‌های تحریمی، *فصلنامه سیاست خارجی*، شماره ۱۰۱.
۲۳. پاسخ رسمی دولت ج.ا.ایران به قطعنامه ۱۹۲۹، (مرداد ۱۳۸۹)، *ماهنامه دادنامه*، شماره ۴.
۲۴. محمدی، عقیل، حمایت از مستضعفین و اصل عدم مداخله (با تأکید بر اصل ۱۵۴ قانون اساسی ج.ا.ایران)، *پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران*.
۲۵. معرفت، محمدهادی، (۱۳۷۸)، جامعه مدنی، قم، التمهید.

۲. منابع لاتین:

1. Addis, Casey L, (2011), Hezbollah: Background and Issues for Congress, DIANE Publishing.
2. Addis, Casey L, (2010), Iran: Regional Perspectives and U. S. Policy, DIANE Publishing.
3. Anthony Boyle, Francis, (2013), Palestine, Palestinians and International Law, SCB Distributors.
4. Arangio Ruiz, Gaetano, (1979), The United Nations Declaration on Friendly Relations and the System of the Sources of International Law, BRILL.
5. Askari, Hossein, Mohseni, Amin and Daneshvar, Shahrzad, (2010), The Militarization of the Persian Gulf: An Economic Analysis, Edward Elgar Publishing.
6. Benvenisti, Eyal, (2012), The International Law of Occupation, Oxford University Press.
7. Cassese, Antonio, (1995), Self-Determination of Peoples: A Legal Reappraisal, Cambridge University Press.
8. Charron, Andrea, (2011), UN Sanctions and Conflict: Responding to Peace and Security Threats, Routledge.
9. Cordesman, Anthony H. and Sullivan, William D, (2007), Lessons of the 2006 Israeli-Hezbollah War, CSIS.
10. De Guttry, Andrea, Capone, Francesca and Paulussen, Christophe, (2016), Foreign Fighters under International Law and Beyond, Springer.
11. Dorall, Cheryl, Commonwealth Ministers Reference, Book 2003, Commonwealth Secretariat.
12. Fayazmanesh, Sasan, (2008), The United States and Iran: Sanctions, Wars and the Policy of Dual Containment, Routledge.
13. Finkelstein, Norman G, (2011), This Time We Went Too Far: Truth and Consequences of the Gaza Invasion, OR Books.
14. Golam Mowla, Khondakar, (2008), The Judgment Against Imperialism, Fascism and Racism Against Caliphate and Islam, Volume 1, AuthorHouse.
15. Goldstein, Lyle J, (2015), Meeting China Halfway: How to Defuse the Emerging US-China Rivalry, Georgetown University Press.
16. Goldschmidt, Pierre, Kuchins, Andrew and Gomart, Thomas, (2008), U.S.-Russia Strategic Partnership Against Nuclear Proliferation: From Declaration to Action, CSIS.
17. Gray, Christine D, (2008), International Law and the Use of Force, Oxford University Press.

18. Hilaire, Max, (1997), Nijhoff Law Specials, International Law and the United States Military Intervention in the Western Hemisphere, Martinus Nijhoff Publishers.
19. House, Office of the Law Revision Counsel, United States Code 2000 Edition, Supplement 4, V. 3, Title 20, Education to Title 26, Internal Revenue Code, January 2, 2001, to January 3, 2005, Government Printing Office, 2005.
20. Human Rights Watch, (2004), Genocide , War Crimes and Crimes against Humanity, Topical Digests of the Case Law of the International Criminal Tribunal for Rwanda and the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, Listing of Cases Included , www.hrw.org
21. Kidwai, M. Saleem, (2010), US Policy Towards the Muslim World: Focus on Post 9/11 Period'', University Press of America.
22. Linnan, David K, (2008), Enemy Combatants, Terrorism, and Armed Conflict Law: A Guide to the Issues, ABC-CLIO.
23. Miller, Russell A. and Bratspies, Rebecca M, (2008), Progress in International Law, BRILL
24. Mohammad Aljaghoub, Mahasen, (2007), The Advisory Function of the International Court of Justice 1946 – 2005, Springer Science & Business Media.
25. M Rudolph, Rachael, (2013), Van Engeland, Anisseh, From Terrorism to Politics, Ashgate Publishing, Ltd.
26. Owen Freedman, Robert, (1998), The Middle East and the Peace Process: The Impact of the Oslo Accords'', University Press of Florida.
27. Rawshandil, Jalil and Chapman Lean, Nathan, (2008), Iran, Israel, and the United States: Regime Security Vs. Political Legitimacy, ABC-CLIO.
28. Reardon, Robert J, (2012), Containing Iran: Strategies for Addressing the Iranian Nuclear Challenge, Rand Corporation.
29. Roshandel, Jalil and Cook, Alethia H, (2009), The United States and Iran: Policy Challenges and Opportunities'', Palgrave Macmillan.
30. Rubin, Barry, (2012), Revolutionaries & Reformers: Contemporary Islamist Movements in the Middle East, SUNY Press.
- 31- St. Clair, Jeffrey and Frank, Joshua, (2012), Hopeless: Barack Obama and the Politics of Illusion, AK Press.
32. Taylor, Brendan, (2012), Sanctions as Grand Strategy, Routledge.
33. United Nations, Non-Proliferation Committee, (12 December 2012), Briefing Security Council, Highlights Ballistic Missile Tests by Iran, Possible Arms Transfers to States in Region.

34. General Assembly's resolution (A/RES/57/128) adopted on the report of the Special Political and Decolonization Committee: Israeli practices affecting the human rights of the Palestinian people in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, para 5, also available on: www.unispal.un.org
35. General Assembly's resolution (A/RES/57/128) adopted on the report of the Special Political and Decolonization Committee, The occupied Syrian Golan, para 14, also available on: www.unispal.un.org
36. Remarks by Ambassador David Pressman, U.S. Alternate Representative to the United Nations for Special Political Affairs, at a Security Council Briefing on Iran and Resolution 1737, www.usun.state.gov
37. Common messages regarding EU sanctions against the Iranian nuclear programme, for farsi version see: The Security Council resolution 1747(2007) Adopted by the Security Council at its 5647th meeting on 24 March 2007(S/RES/1747), para 5, also available on: www.iaea.org
38. Understandings of the Islamic Republic of Iran and IAEA on the Modalities of Resolution of the Outstanding Issues.

۳. وبسایتها

1. www.prestv.ir
2. www.un.org
3. www.sipri.org
4. www.aafaq.ir
5. www.fa.alalam.ir
6. www.qodsna.com
7. www.farsi.khamenei.ir
8. www.entekhab.ir
9. www.khabaronline.ir